

▪ **یکشنبه ۸ خرداد ماه ۱۴۰۱**

▪ **سال دوازدهم - شماره ۲۳۰۹**

سپهرغرب، گروه خبر – سمیرا گمار؛ همسر مرحوم طالبزاده گفت: دوست داشتن نادر، جذب او شدن و در کنارش زندگی کردن اصلاً کار سختی نبود؛ وجود او آنقدر پُر از عشق و محبت و دانایی بود که به‌راحتی قلب هر کسی را تصرف می‌کرد.

زینب مهنا با اشاره به آشنایی خود با مرحوم نادر طالبزاده، بیان کرد: نهم اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۸۰ زمانی که من برای تست نقش اول سریال بشارت منجی به دفترش رفتم، با او آشنا شدم. البته مستندات ایشان را دیده بودم، اما خودش را تا آن زمان ندیده بودم که در آن تست قبول و برای نقش انتخاب شدم.

مسیح نقطه اتصال ما بود

وی توضیح داد: نقطه اتصال من و نادر، کار مسیح بود؛ جالب اینکه من همان زمان کار نمایشی می‌کردم و پیشنهاد کاری زیادی داشتم، اما کار جلوی دوربین قبول نمی‌کردم و علاقه‌ای به دیده شدن نداشتم. وقتی یکی از دوستانم برای احوالپرسی زنگ زد و گفت برای تست کار حضرت مسیح می‌رود، گفتم مرا هم معرفی کن، چون من به حضرت مسیح ارادت دارم و کلیسا می‌روم، کار در این پروژه هم به‌آرامی و به‌مرور جلو رفت.

مهنا اضافه کرد: از آنجایی که من کار تئاتری و نمایشی می‌کردم، در فیلم‌برداری، انتخاب بازیگر یا

سپهرغرب، گروه خبر – سمیرا گمار؛ یکی از شاگردان مرحوم طالبزاده گفت: حاج‌نادر طالبزاده علم و آگاهی و سیر و سلوک خود را که برگرفته از جهاد با نفس و عبادت خالصانه بود، در خدمت اسلام ناب محمدی و انقلاب قرار داده بود.

تهیه‌کننده برنامه تلویزیونی «عصر» با اشاره به آشنایی خود با مرحوم طالبزاده، عنوان کرد: بیش از ۲۰ سال پیش حاج‌مسعود قندی واسطه آشنایی ما شد، البته من شهید طالبزاده را درودآور می‌شناختم، اما اتصال اصلی من با ایشان توسط حاج‌مسعود و در دفتر کاری حاج‌نادر اتفاق افتاد.

حمید جوادی گفت: آن موقع نمی‌دانستم چرا باید مسیر زندگی‌ام از کنار آقای طالبزاده و همکاری با ایشان بگذرد، اما بعدها که شخصیت و منش او را دیدم، برایم روشن شد چرا در کنار او قرار گرفته‌ام.

وی تصریح کرد: شاید بهترین وصفی که بتوان برای حاج‌نادر به کار برد، همان تعبیر رهبر انقلاب بوده که ایشان را پُر تلاش و پُرانگیزه خواند؛ این جمله تراز شهید طالبزاده است.

در مسیر حق بودن برای او هزینه داشت و پای آن ایستاده بود

شاگرد مرحوم طالبزاده ادامه داد: او در مسیری که قرار داشت خیلی سختی کشید، ضربه‌های بسیاری خورد و اصلاً این‌طور نبود که در آن مسیر بودن برایش راحت و بدون هزینه باشد، اما هیچ‌وقت پا پس نکشید. جوادی اضافه کرد: به زعم برخی از ما دوران جوانی او در بهترین نقطه بود، یعنی آمریکا! اما وقتی پیام حضرت امام (ره) را شنید، همه‌چیز را رها کرده و وارد یک سیر و سلوک شد؛ چه چیز باعث شد او زندگی در آمریکا را رها کرده و به ایران برگردد؟ وقتی همه تلاش می‌کردند از ایران برونند، او آمریکا بود، اما برگشت و این برگشتن او از دل سیر و سلوک معنوی او به‌دست آمده و گوهری

کارهای دیگر در کنارش بودم و کم‌وبیش در جریان کارهای رسانه‌ای او نیز قرار داشتم. نادر همیشه تلاش می‌کرد حتی در اوج سختی‌ها و مریضی‌ها هم لحظه‌ای بیکار نباشد.

همسر مرحوم طالبزاده ادامه داد: از دی‌ماه همان سال زندگی مشترکمان آغاز شد و هشت سال بعد از ازدواج‌مان یعنی مهرماه ۱۳۸۸ خداوند به ما یک دختر داد که اکنون ۱۳ ساله است؛ نادر همسر و پدر با محبتی بود که رفتارهای او از روح بلندش نشأت می‌گرفت.

مهنا گفت: من ۲۱ سال زندگی پُرفرازونشیب اما پُربار با ایشان داشتم و بدون اغراق افتخار می‌کنم که در کنار او زندگی کردم.

وی با اشاره به ویژگی‌های اخلاقی برجسته مرحوم طالبزاده، توضیح داد: چیزی که از ایشان برای من به یادگار مانده، قلب مهربان اوست؛ او به قدری مهربان بود که در همه آدم‌ها فقط خوبی‌ها و زیبایی‌ها را می‌دید و معتقد بود همین خوبی‌ها و زیبایی‌ها حقیقت وجودی انسان‌ها است.

همیشه به او می‌گفتم قلبت مسیحایی است

مهنا افزود: بهتر است بگویم او در وجود آدم‌ها به دنبال حقیقت بود، حتی اگر می‌دید برخی‌ها نیات دیگری دارند، به روی خودش نمی‌آورد؛ من همیشه به او می‌گفتم قلبت مسیحایی است.

بود که به آن دست پیدا کرد.

وی اظهار کرد: من از سیر و سلوکی می‌گویم که چراغ راه حاج‌نادر بود و او با همین سلوک در هر شرایطی، حواشش به خیلی چیزها بود. اولویت‌ها را می‌دانست، رسالتش را بلد بود و ذره‌ای تردید در او و رهاش وجود نداشت.

بزرگ بود چون کارهای بزرگ کرده و مجاهدانه در میدان بود

دستیار مرحوم طالبزاده گفت: او خیلی بزرگ بود، آدمی برای اینکه بخواهد بزرگ باشد باید کارهای بزرگ کند، جهاد و ازخودگذشتگی کند و حاج‌نادر تمام و کمال جهاد کر د ه بود.

زینب مهنا از همسر خود گفت:

دوست داشتن نادر اصلاً کار سختی نبود

همسر مرحوم طالبزاده یادآوری کرد: هرجا که می‌رفتیم مثلاً محافل علمی یا کنار مردم، نادر بسیار متواضع بود؛ مثلاً همیشه می‌دیدم همان‌طور که در دانشگاه با یک پرفسور ایتالیایی صحبت می‌کند، با یک پیرمرد روسستانی در شمال هم صحبت می‌کند و عاشقانه حرفش را گوش می‌دهد، با همان عشق و تواضع و با همان رفتار، هیچ‌وقت تفاوتی بین آدم‌ها نمی‌گذاشت.

وی با بیان اینکه آقای طالبزاده از کودکی با قلب وسیع و روح بلند بزرگ شده بود، ابراز کرد: او در مدارس مسیحی درس خوانده بود، زبان انگلیسی را خوب می‌دانست و به انجیل مختلف مثل یک مسیحی مؤمن مسلط بود؛ همین ارتباط‌گیری با ادیان و افراد مختلف از او یک آدم حقیقت‌جو و مهربان ساخته بود.

هنگام بیماری هم دست از کار نمی‌کشید

مهنا با اشاره به یک سال پایانی حیات مرحوم طالبزاده، اذعان کرد: نادر از ماه رمضان سال ۱۴۰۰ در منزل بستری بود و ما از او مراقبت می‌کردیم؛ در این یک سال که کنارمان بود، با اینکه مریض احوال بود و قلبش درد می‌کرد، همچنان مشغول کار بود. البته من فقط می‌توانم بخش پرداختن به ساخت فیلم مسیح را مثال بزنم، چون خودم به آن مسلط هستم، بخش‌های دیگر را نمی‌دانم، اما می‌دانم که او

خبر

لحظه‌ای بیکار نبود.

به‌راحتی قلب هر کسی را تصرف می‌کرد
همسر مرحوم طالبزاده گفت: ما باهم دوست بودیم و زندگیمان را با دوستی گذراندیم، او تا آخرین لحظه زندگی مهربان و دلسوز بود؛ یک مرد استثنایی که البته همچنان هم همین‌طور است، حتی بعد از مرگش!

وی با تأکید بر اینکه آقای طالبزاده انسان کاملی بود، افزود: دوست داشتن ایشان، جذب او شدن و در کنارش زندگی کردن اصلاً کار سختی نبود؛ وجود او آنقدر پُر از عشق و محبت و دانایی بود که به‌راحتی قلب هر کسی را تصرف می‌کرد.

آنقدر محبت او زیاد بود که وقتی نبود هم خلأ حضورش پُر می‌شد

همسر مرحوم طالبزاده متذکر شد: نادر وقتی که بود، کامل بود؛ وقتی که کار داشت هم مانند همه انسان‌های خاص که روح‌های بزرگ دارند، حاضر بود. آنقدر عشق و محبت او زیاد بود که وقتی نبود هم خلأ حضورش پُر می‌شد و وجودش آنقدر نازنین و عزیز بود که وقتی نبود، بی‌صبرانه منتظر دیدنش بودیم و آن عشقی که در وجودش بود، همه‌چیز را جبران می‌کرد؛ اکنون اما بدون او همه‌چیز خالی و برهوت است.

مهنا گفت: او شب تا صبح کار می‌کرد،

حمید جوادی از شاگردان مرحوم طالبزاده:

دانش و سلوک حاج‌نادر در خدمت اسلام و انقلاب بود

اسلامی، باعث شد حاج‌نادر گمراه نشده و در مسیر حق قدم بردارد.
جوادی در ادامه افزود: او از جایی آمد که خیلی‌ها تلاش می‌کنند به آنجا برسند، او از قلب آمریکا به ایران آمد و برای این رسیدن هزینه هم کرد؛ او برای انتخاب خود، سیر و سلوکش و جاودانه بودن هزینه کرد و به رزق اصلی‌اش رسید، برای همین اسم او همیشه جاودانه است.

حاج‌نادر چه کار می‌کرد؟

وی با تأکید بر اینکه عنصر معنویت و اخلاص در کار او موج می‌زد، به حالات وی در عرصه حرفه‌ای هم گزیری زد و گفت: می‌دانید ایشان بطور برای ضبط برنامه آماده می‌شد؟ مثلاً برنامه عصر را راز را که داشتیم، می‌گفت ما برای این دو برنامه ماه رمضان ۳۰ گلوله داریم، باید این گلوله‌ها را درست مصرف کنیم و از همه مهم‌تر اینکه شاید تیر آخرمان باشد، محتوایی که به مردم ارائه می‌دهیم تا این حد حساس است. گنا هم با وجود طی مسیر برای اجرای یک برنامه، نسبت به فضای روز آن را تغییر می‌داد.

این تهیه‌کننده ادامه داد: شاید خیلی از ارگان‌ها و دستگاه‌ها هزینه کلانی برای اینکه بدانند در چه نقطه‌ای قرار داریم صرف کنند، اما حاج‌نادر یک کته فضای بین‌المللی رسانه‌ای را رصد می‌کرد و به‌روز بود.

امتزاج آگاهی و خودسازی او را به شهود رسانده بود

جوادی اذعان کرد: به حدی خودسازی و کمالات او بالا بوده و در فضای حرفه‌ای علم و آگاهی‌اش گسترده بود که به تشخیص رسیده و با توجه به اینکه اخبار دنیا را می‌شنید، بهترین و درست‌ترین انتخاب‌ها را در پرداختن به موضوعات روز دنیا داشت؛ با این نگاه که اکنون باید چه باری از روی دوش مردم و انقلاب بردارد. وی با اشاره به برنامه راز، گفت: با موقعیتی که ایشان داشت طبیعی بود که پیشنهادهایی هم برای برنامه‌سازی داشته باشد؛ مثلاً در راز فضای کاری ما سینمایی هالیوود بود، اما ایشان از کنار پیشنهاداتی که به او شده بود عبور کرد و هنر و علم و آگاهی خود را در اختیار انقلاب اسلامی قرار داد.

نگاه گسترده او به مسائل برگرفته از نیازهای روز بود

شاگرد مرحوم طالبزاده متذکر شد: نگاهی به برنامه‌های حاج‌نادر نشان می‌دهد عنصر اصلی نگاه او خدمت مردم و انقلاب بود، محتوای برنامه‌سازی ایشان با افشاگری است یا پرداختن به درد مردم و این مسئله هیچ‌وقت مورد غفلت او قرار نگرفت؛ شاید نگاه گسترده او به مسائل از افای‌ت‌اف، نابودی استکبار و کرونا تا پرداختن به شهادت احمد متوسلیمان و معرفی برنامه‌سازان انقلاب اسلامی، بچه‌های جهادی و نیروهای بیدارنده انقلاب اسلامی در سطح دنیا ذیل این نگاه تعریف می‌شد. پراکندگی موضوعات مورد توجه او از بی‌نظمی نبود، بلکه برآمده از توجه به جریان روز بود.

او مؤثر بود، چون خلوت داشت

جوادی با بیان اینکه نادر طالبزاده جزء نوادر عصر ما شد چون الگویی از اسلام اصیل بود، گفت: او شیرینی عبادت را چشیده بود، نماز شب می‌خواند و بدون وضو وارد هیچ برنامه



اردیبهشت‌ماه او را ببینم.

رفتن او خیلی زود بود...

مهنا با بیان اینکه رفتن او خیلی زود بود، تصریح کرد: او با عزت و عشق رفت و خداوند برایش این رفتن را درنظر گرفت؛ خواست خدا هرچه باشد، مارضی هستیم. می‌دانیم هنوز زنده بوده و در کنار عزیزانش است. من هنوز رفتنش را باور نکرده‌ام، ایشان عاشق همه بود و دوستداران زیادی هم داشت، انسان والا با روح بزرگ که به این دنیا آمد، یک دوره‌ای پیش ما بود و حالا نبودنش برای ما سخت بوده؛ اما ایمان دارم که جای او بسیار سبز و آرام است.

و همایشی نمی‌شد؛ چون رابطه‌اش با خدای خودش کامل بود و این‌طور به کمال رسید.

وی اضافه کرد: توسل و نگاه خاص او به مسائل معنوی چند پیام دارد: نخست ارتباط او با خالق که مدام خود را شارژ می‌کرد و دیگر اینکه منهای اطلاعات و مسلط بودن در فضای علمی روز دنیا، حاج‌نادر جریانی در درون خود راه انداخته بود که عینک و ذره‌بینش سمت حق می‌رفت. یعنی این رابطه به حدی قوی بود که نگاه او را شفاف کرده بود و همین باعث می‌شد بسیاری از چیزها را درک کرده و یقین کند در مسیر درست قرار دارد.

اواخر عمر خود دیگر روی زمین نبود

جوادی بیان کرد: بدون تردید برای من که ۲۰ و اندی سال کنار ایشان بودم واضح و مشخص بود که حاج‌نادر هرچه جلوتر می‌رفت پایش از زمین فاصله می‌گرفت و در اواخر روزهای عمر خود دیگر زمینی نبود، این رؤیا نیست، عین واقعیت است.

معتقد بود دشمن از «انسان‌سازی»

مکتب ما می‌ترسد

وی با اشاره به آخرین مکالمه خود با مرحوم طالبزاده، گفت: ایشان قبل از رفتن به کما در آخرین صحبتی که با هم داشتیم، از جریان انقلابی بیدارشده خارج از مرزهای ایران صحبت می‌کرد؛ او نوری که به قلب آزادگان جهان تابیده و بیدار می‌شوند، اعتقادش این بود که دشمنان ما از انرژی هسته‌ای و بمب اتمی نباید بترسند، می‌گفت ترس اصلی کسانی هستند که با نور انقلاب بیدار شده‌اند و هر یک نفر آن‌ها با ۱۰ موشک برابری می‌کنند، چراکه حرف الله را می‌زنند و با استکبار مبارزه می‌کنند.

تهیه‌کننده برنامه تلویزیونی «عصر» ادامه داد: تعبیر حاج‌نادر این بود که آن‌ها یاران مهدی هستند؛ کسانی که نور انقلاب و اسلام در قلبشان تابیده و به میدان می‌آیند، می‌گفت مرد میدان‌ها بسیاریند و پیاده‌روی عظیم اربعین یک گوشه از حرکت آن‌ها است، هیچ چیز مانع و جلودارشان نیست. آن‌ها بیدار شده‌اند، در مسیر رسیدن به سیدالشهدا علیه‌السلام آموزش می‌بینند و به رزق خود می‌رسند و این مسیر دراز بوده که برای دشمنان ما خطرناک است.

جوادی گفت: حاج‌نادر می‌دانست این دنیا دنیایی نیست که دو دستی به آن چسبیم، برای همین هم در سن جوانی بیدار شد؛ زندگی دنیوی را کنار گذاشت، مجاهدانه پیش آمد و نیروهای بسیاری را هم تربیت کرد، نیروهای مخلصی که هرکدام یک پایگاه شده و در مسیر حق قدم برمی‌دارند.

حاج‌نادر هنر خود را برای اعتلای اسلام به میدان آورد

وی در بخش پایانی سخنان خود ابراز کرد: عمده این است که حاج‌نادر ابزار هنر و رسانه داشت و اتفاقاً از غرب هم آموخته بود که آن‌ها را با آگاهی و حقیقت ممزوج کند تا در مسیر سربازی حق مبارزه کرده باشد؛ این مهم است که شما به یک دستاورد آموزشی برسید و آن را در مسیری که حق و حقیقت است، خرج کنید. آن‌هم با وجود فضایی که برای راحت کار کردن، دیده شدن و در حاشیه امن بودن دارید. حاج‌نادر از همه این‌ها برای حقانیت اسلام و انقلاب گذشت و این نگاه متعالی را در جامعه جاری کرد.